

گفتگو در نیمه اول سال ۱۳۷۷ انجام شده و در دی‌ماه آن سال انتشار یافته است.

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر نشریه‌ی پرسش

پرسش: آقای فروهر، آیا از نظر جسمی سلامتی‌تان؟

داریوش فروهر: کلاً، نسبت به سنی که دارم، تندرست هستم. دردهای استخوانی داشته‌ام و چشم‌هایم جراحی شده، ولی اکنون دارم با باقی‌مانده‌هایم می‌سازم.

پرسش: آیا می‌توانم بدون ترس از مزاحمت کسی برای شما سوالاتم را مطرح کنم؟ آیا مزاحمتی برای شما ایجاد نخواهد شد؟

داریوش فروهر: شما آزادید که هر پرسشی را که می‌خواهید از من بکنید و من از پیامدهای اظهار نظرهایم هیچ گاه باکی نداشته‌ام. از هشت سال پیش، شاید بشود گفت از پایان گرفتن نبرد میهنی، که در طی تجاوز کشور استعمارساخته عراق آغاز شده بود، یکی از راه‌های رسانیدن اندیشه‌های حزب ملت ایران را در گفت‌وگوشد، به‌ویژه با رسانه‌های همگانی نوشتاری بیرون از کشور، که از آزادی عمل برخوردار هستند، دیده‌ام.

پرسش: آیا از طرف کسی تا کنون برای شما مزاحمتی ایجاد نشده است؟

داریوش فروهر: همه‌ی مصاحبه‌های من در راستای انتقاد شدید از سرمداران جمهوری اسلامی بوده است. در این زمینه، برای من، مزاحمتی پدید نیامده است.

پرسش: ارزیابی خودتان از اینکه می‌گویید مزاحمتی برایتان پدید نیامده چیست؟

داریوش فروهر: به هر حال، من فکر می‌کنم که به نام حزبی سخن می‌گویم که، با نزدیک به پنجاه سال پیشینه‌ی پیکار، هیچ نقطه‌ی ضعفی ندارد و همواره هم در راستای سود و صلاح ملّی گام برداشته است. این جریان سرکوبش برای هر دیکتاتوری سخت است. شاید هم این بساط یک‌هتازی فراگیر در ایران آن چنان خود را استوار می‌داند که از پیامد روشننگری‌های انجام‌شده هراسی نداشته است!

پرسش: اظهارات اخیر فرمانده سپاه پاسداران در رابطه با اینکه قلم‌ها را می‌شکنیم، زبان‌ها را می‌بریم، و

گردن‌ها را می‌زنیم چه تأثیری روی جو سیاسی داشته است؟

داریوش فروهر: به هیچ وجه تأثیری نداشته است، چون که می‌گویند سخنان ایشان رازهای نظامی بوده است که

روشننگری درباره‌اش شده است! به هر حال این گونه‌ی درموبلدرمها چیزهای تجربه‌شده‌ای است. به نظر من، پا گرفتن یک نظام توتالیتر تنها با تصمیم یک فرد، هر اندازه هم در سلسله مراتب نظامی جایگاه والایی داشته باشد، امکان‌پذیر نیست. فرض بگیرید که در ایران شروع کنند به زبان بریدن، گردن زدن و بازگشت به روند سرکوبگری گذشته، دشواری‌های کشورداری را چگونه حل خواهند کرد؟ آیا هرج‌ومرج اقتصادی، که دامنگیر ایران شده، آیا بن‌بست‌هایی که در سیاست خارجی ایران پدید آمده، اینکه مردم به‌خوبی پی برده‌اند که جمهوری اسلامی مایه‌ی کشورداری ندارد با کشتن و زبان کسی را قطع کردن یا گردن زدن ده نفر و صد نفر و هزار نفر پایان می‌گیرد؟ اگر چنین بود، خود حاکمیت درصدد برنمی‌آمد که صحنه‌آرایی‌های جدیدی بکند و فضای سیاسی به‌ناچار در برابر پافشاری و ایستادگی و کوشش سالیان دراز مردم باز شود.

پرسش: نظر رسمی حزب ملت ایران در مورد درگیری جناح‌های جمهوری اسلامی چیست؟ آیا به نتیجه‌ی این

درگیری‌ها امیدی بسته‌اید؟ آیا مدافع یک جناح در مقابله با جناح دیگری؟

داریوش فروهر: با توجه به دیکتاتوری فراگیر جمهوری اسلامی، با اشکال‌هایی که در گرداندگی کشور [وجود دارد]، و با توجه به ایستادگی و کوشش مردم برای داشتن فضای سیاسی باز، برای داشتن ایمنی قضائی، در نتیجه، در درون حاکمیت، جناح‌بندی‌هایی پدید آمده است که هر کس راحلی پیشنهاد می‌کند. پدید آمدن درگیری در جناح‌های جمهوری اسلامی در دید من از این روست و این فرصت را پدید می‌آورد که مردم با توانایی و امید بیشتری خواست‌هایشان را طرح کنند و از درگیری‌های درونی جناح‌ها بهره‌برداری کنند. این درگیری‌ها یک بخشش زاییده‌ی انحصارگری است که همیشه در نظام‌های دیکتاتوری وجود دارد، که هر روز دایره‌اش تنگتر می‌شود و یک دسته می‌خواهند دسته‌ی دیگر را به‌کلی حذف کنند و آن دسته هم ایستادگی می‌کند. در نتیجه، این شکاف‌ها هم ناگزیر و پایان‌ناپذیر، به گمان من، با ایستادگی و پیگیری مردم امیدبخش است. به هر حال، مردم پس از سالیان دراز در برابر یکه‌تازی فراگیر، در برابر واپس‌گرایی، در برابر سرکوب بی‌امان، واکنش طبیعی نشان داده‌اند. من به این جریان امید بسته‌ام.

پرسش: فکر می‌کنید که این درگیری‌ها به کجا می‌انجامد؟ آیا منتج به این خواهد شد که یک جناح بر جناح دیگر غلبه کند، جناح دیگر را حذف کند؟

داریوش فروهر: همان طور که گفتم، نظریه‌های دوگانه یا چندگانه‌ای درون جمهوری اسلامی پدید آمده است که هم درصد حذف یکدیگر هستند و هم زشت‌کاری‌های گذشته به اندازه‌ای است که به‌سادگی نمی‌شود از آن‌ها گذشت. من امید دارم که در دنباله‌ی این درگیری‌ها مردم بتوانند که به خواسته‌های اصلی خودشان برسند. به گمانم اکنون بخش‌بندی‌های جناحی در درون جمهوری اسلامی آن چنان رو شده است که به‌سادگی یک جناح بر جناح دیگر پیروز نخواهد شد. همه‌ی امید هم به این است که این کشمکش‌های جناحی راهی به سود مردم بگشاید. در عین حال گمان دارم که، اگر خطرهای جدی شود، ممکن است که زدوبندهای کوتاه‌مدتی در میان جناح‌ها پدید آید، ولی دردهای اجتماعی را پایان نخواهد داد؛ و همان طور که گفتم، در دید من، خود این کشمکش‌های جناحی و خود نفاق‌های درونی سردمداران جمهوری اسلامی در پی درماندگی‌شان در کشورداری است.

پرسش: فکر می‌کنید که نقاط مشترک جناح‌ها در برخورد با شرایط موجود و مردم اساساً چیست؟

داریوش فروهر: اکنون نقطه‌های مشترکی که می‌بینیم نگاه‌داشت این قانون اساسی پرنقص است. گروهی به مرزهای این قانون اکتفا می‌کنند و نهادهای ویژه‌ای را اختیاردار بی‌مرز می‌دانند؛ ولی گروهی بر این باورند که نباید در حد همین قانون اساسی عمل کرد و پیداست که به سادگی از عقایدشان نخواهند گذشت.

پرسش: شما در دورانی از فعالیت سیاسی‌تان در حاکمیت جمهوری اسلامی شرکت داشتید. فکر می‌کنید، با توجه به تجربه شخصی‌تان، این درگیری‌ها چه تناسب و تشابهی با درگیری‌های دوران استقرار جمهوری اسلامی دارند؟

داریوش فروهر: به گمان من، چندان همانندی‌ای بین این دوران و آن دوران وجود ندارد. آن دوران هیجان‌ها و گرایش‌های ویژه‌ای در ایران وجود داشت که همواره به باورهای دینی پای‌بند بودند، کسانی هم رهبری می‌کردند که در مدت درازی سرسختی و استواری خودشان را نشان داده بودند. اکنون مردم به این نتیجه رسیده‌اند که این تلاش‌ها دیندارنمایی است برای نگاه‌داشت پایگاه‌های سیاسی، که البته در ایران پیشینه‌ی طولانی دارد. مردم شاید آن هنگام این برداشت را که اکنون از استبداد دینی دارند نداشتند. این را به پای این نگذارید که من ضد دین سخنی می‌گویم، چون در دیدگاه من فرهنگ ملی، که زیرساخت همه‌ی دگرگشت‌های اجتماعی است، پیوندی برخاسته از ایرانیگری و اسلام‌باوری است؛ ولی با تجربه‌ی این سالیان روشن شده است که کسانی از باورهای

دینی مردم بهره‌بردارهای ویژه می‌کنند و یا، اگر روشن‌تر بگویم، آن را تنخواه‌گردان سیاسی کرده‌اند. در آن هنگام، این روشنی حتی در سازمان‌های سیاسی دارنده‌ی اندیشه‌های این چنین نیز روشن نبود؛ ولی اکنون مردم به این نتیجه رسیده‌اند که باید دین از دولت جدا باشد. در آغازهای انقلاب، چنین موضوعی مطرح نبود، چون تجربه نشده بود.

پرسش: قرن‌هاست که ایده‌ی جدایی دین از دولت مطرح شده. به هر حال فکر نمی‌کنید که این عدم شناخت شما منتج به تجربه‌ی سنگین و خونباری شد؟

داریوش فروهر: بدون شک تجربه‌ها گاه سنگین است؛ ولی اینکه چون سنگین هست می‌شود که از انجامش جلوگیری کرد به این سادگی نیست. باید دید که در آن هنگام چه چیزهایی سبب آن انقلاب به گمانم شکوهمند شد. مردم ایران بارها در برابر تهاجم سیاسی، لشکری و سپس فرهنگی غرب ایستادگی کرده بودند؛ دست‌کم در صد سال گذشته، در خیزش مشروطیت، در جنبش ملی شدن صنعت نفت، و سرانجام در همان حرکت‌های انقلاب، در یک راستا حرکت می‌کردند، خواستار استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و عدالت همگانی بودند. در سامان گذشته، برداشتشان این بود که هر گاه پیروزی به دست آورده‌اند رودرروی پیوند استعمار و استبداد و ارتجاع، که با افسوس همواره دست‌کم در این صد سال گذشته کانونش نهاد سلطنت بوده است، بوده‌اند؛ اینکه این دگرگونی را می‌خواسته‌اند و آن هنگام یک رهبر در جایی امن بیرون از کشور خواسته‌ی مردم را با سرسختی پیش کشیده بود و مردم باور داشتند که آنچه که می‌خواهند را در پیامد این خیزش انقلاب بهش دسترسی پیدا خواهند کرد. در حقیقت می‌خواستند فلک را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند. حالا با واپس‌گرایی، که آن هنگام این چنین شایان پیش‌بینی نبود، روبه‌رو شده‌اند و جدول ارزش‌های انقلاب به کج‌راه افتاد و درهم‌شکسته شد.

من باور دارم که خیزش‌های پراکنده‌ی مردم، سلطه‌ستیزی‌های پراکنده‌ی مردم می‌رود، با بهره‌برداری از شکاف درونی سردمداران جمهوری اسلامی، فراگیر بشود، همان خواست‌های انقلاب را زنده کند، جدول ارزش‌های انقلاب را طرح کند، استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و عدالت همگانی را پیش بکشد.

پرسش: آقای فروهر، با توجه به شرکت شما در رژیم اسلامی و شناختی که شما از مناسبات درونی جمهوری اسلامی دارید، می‌توانید بگویید توافقات غرب در آن دوران چه نقشی در روی کار آمدن جمهوری اسلامی و سرکوب انقلاب داشت؟

داریوش فروهر: به نظر من، تحولات غرب در آن هنگام در آغاز حرکت‌های مردمی هیچ نقشی نداشت. شاید می‌خواستند که برای سود و صلاح خودشان یک دگرگونی‌هایی در وضع آن زمامداری، که آن را هم می‌توانم بگویم یک توتالیتر فراگیر بود، پدید بیاورند؛ ولی کار به آنجایی رسید که اوضاع از دستشان به در شد. انقلاب ایران را بارها این دولت‌های بزرگ نشستند و بررسی کردند و گمان کردند که با سرکوب ارتشی می‌توان مهارش کرد. شما توجه داشته باشید که، بعد از دو سه دیدار بسیار نابجا در ایران، سرکوب‌گری‌هایی انجام گرفت؛ ولی مردم به‌پاخاسته بودند برای رسیدن به زندگی دگرگونه و آزاد و در برابر این فشارها مقاومت کردند. اما اینکه سیاست‌های خارجی و قدرت‌های بزرگ در واپسین ماه‌ها کوشیده باشند مهرچینی کنند و روند انقلاب را از راه به در کنند من امکانش را می‌دهم.

پرسش: اجازه بدهید سؤال دیگری مطرح کنم. ارزیابی شما از کارکرد یکساله‌ی خاتمی در زمینه‌ی سیاسی، اقتصادی و غیره چیست؟

داریوش فروهر: ایشان در هنگامی که مردم به کلی از جمهوری اسلامی و پیامدهای سرکوبگری آن بری بودند فرصت یافتند که چهره‌ی پراخم و سرکوبگر جمهوری اسلامی را به شکل دیگری که می‌شد از ناخوشنودی مردم تا اندازه‌ی زیادی کاست، عرضه کنند.

پرسش: فکر می‌کنید که لبخند خاتمی می‌تواند تناقضات و مسائل جامعه را برطرف کند؟

داریوش فروهر: من باور ندارم آقای خاتمی، که به گمان من به لحاظ خصلت‌های شخصی هم پاکیزه است و هم آگاه و هم سخنان دل‌نشینی می‌گوید، در این چهارچوب قانون اساسی فرتی ایجاد کند. اما امیدوارم آنچه که کرده با حسن نیت باشد و، در راستای پدید آوردن فضای سیاسی باز و ایمنی قضائی، گام‌های استوارتری بتواند بردارد. به هر حال، زمینه‌ی این سخن باز هم به جای خودش باقی است که مردم خواستار پدید آمدن وضعی بسیار فراتر از آنچه آقای رئیس‌جمهور اسلامی کنونی طرح می‌کنند هستند.

پرسش: آقای فروهر، اگر ولایت فقیه آن طور که در خواست‌های خاتمی مطرح شده تا حدودی مشروط به قانون اساسی شود و قانون اساسی اسلامی تماماً پیاده شود، آیا حزب ملت ایران از جمهوری اسلامی دفاع خواهد کرد؟

داریوش فروهر: خیر. حزب ملت ایران به اینجا رسیده است که قانون اساسی کنونی ایران پر از نقص است و در موردهایی هم افزون‌تر از اختیارهای پیش‌بینی‌شده عمل می‌شود. همان طور که گفتم، برای سامان آینده‌ی ایران ما خواستار برقراری مردم‌سالاری و بازنگری در این قانون اساسی به نحوی که دربردارنده‌ی جدایی دین از دولت و از میان بردن هر گونه تبعیض در حقوق سیاسی و مدنی زنان و ایجاد ساختار اداری‌ای که درخور بافت اجتماعی ایران است هستیم. بدین گونه، تکیه بر روی یک بخش از قانون اساسی در یک زمان و تکیه روی بخش دیگر در زمان دیگر به نظر من چاره‌ی درد نیست.

پرسش: ارزیابی شما از رابطه‌ی مبارزات اخیر مردم با اقدامات جناح خاتمی چیست؟ آیا خاتمی مشوق و محرک این اعتراضات است یا موقعیت خودش محصول جنبی این اعتراضات و حاصل تغییر توازن قوا در جمهوری اسلامی است؟

داریوش فروهر: به هر حال، جوان‌هایی که با دلآوری بیشتری به صحنه آمده‌اند در این امید هستند که رئیس‌جمهور اسلامی کنونی در راستای آنچه نوید داده است، مانند قانون‌گرایی و یا نهادینه کردن آزادی، گام بردارد. به همین دلیل، هنوز هم در موردهایی از ایشان پشتیبانی می‌کنند. البته ادامه‌ی این پشتیبانی بسته به این است که آقای خاتمی خیلی زود و با توانایی این تصمیم را بگیرد که آیا می‌خواهد پاسدار نظام لرزان و درهم‌فروخته‌ی جمهوری اسلامی باشد یا می‌خواهد که در کشور سامانی برقرار شود که در آن نهادینه کردن آزادی و قانون‌گرایی، یعنی آن قانون‌هایی که تجلی‌بخش اراده‌ی ملت است، پایدار باشد.

پرسش: آقای فروهر، اگر خاتمی به مردم بگوید که دست از اعتراض بکشید، به خانه‌هایتان بروید، به نظرتان مردم از اعتراض دست خواهند کشید؟

داریوش فروهر: خیر. اعتراض مردم به نظام جمهوری اسلامی [و] به کردارهای درازمدت سردمداران جمهوری اسلامی با خواست آقای خاتمی آغاز نشده است که با خواست ایشان پایان بیابد. ایرانیان می‌خواهند که آزاد زندگی کنند، می‌خواهند که از فقرزدگی به دور باشند، می‌خواهند که به‌راستی به خویش‌ترن خویش بازگردند. آقای خاتمی که هیچ، هر رهبر دارای پیشینه‌ای هم اگر در خلاف این راستا حرکت کند تنها می‌ماند و مانند دیگران به گوشه‌ای خواهد افتاد.

پرسش: اگر کارگران نفت ایران برای رسیدن به خواسته‌هایشان دست به اعتصاب نامحدود بزنند، شیرهای نفت را ببندند، چه عکس‌العملی را از رژیم باید انتظار داشته باشیم؟ شما چه خواهید کرد؟

داریوش فروهر: بستگی به پیش‌بینی و تصمیم آن گروه اجتماعی پرخاشگر دارد. اگر خیلی جدی باشد، با تنگنای اقتصادی‌ای که وجود دارد، به نظر من، جمهوری اسلامی نمی‌تواند موضوع را با سرکوب حل کند و ناگزیر باید کلاً از این روند عقب‌نشینی کند و بگذارد که نمایندگان راستین مردم برای این دشواری‌ها چاره‌گری کنند.

پرسش: حزب ملت ایران در آن موقع چه اقدامی خواهد کرد؟

داریوش فروهر: ما از مدتی پیش جهت‌گیری روشنی در برابر کردارهای زشتی که جمهوری اسلامی انجام می‌دهد نشان داده‌ایم که از هر خیزشی، از هر تکاپویی در هر گروه اجتماعی پشتیبانی خواهیم کرد. این یادآوری را می‌کنم که ما، با توجه به ساختار اجتماعی ایران، با توجه به وضع جغرافیای سیاسی ایران، خواستار یک گذار آرام هستیم و از حربه‌های سیاسی‌ای که مردم را به سوی جلو براند بهره می‌گیریم. ما هوادار برخوردهای خشن آن هم همراه با سلاح نیستیم.

پرسش: اگر طرف مقابل، دولت اسلامی، مردم را مسلحانه سرکوب کند، همان طور که تا کنون کرده است، به نظرتان آن موقع مسئله چگونه خواهد بود؟ در این صورت چه می‌گویید؟

داریوش فروهر: اگر طرف مقابل سرکوب کند، برمی‌گردیم به بحث نخستینم. آنجا دیگر سخن توسری خوردن و سخن از ترس میدان را تهی کردن پیش می‌آید. من باور دارم که در جهان کنونی می‌شود از راه کردارهای سیاسی با پافشاری به جلو رفت. اگر در این راستا مردم مورد تهاجم‌های خشن قرار بگیرند، مردمی که به‌پاخاسته‌اند، حق دفاع بی‌بربرگرد را دارند. من نمی‌گویم که، اگر بر سر شما زدند، سر را زیر بگیرید و یا، آن چنان که شهره است، اگر به یک گونه‌ی صورت سیلی زدند، گونه‌ی دیگر را جلو بیاورید که باز هم بزنند؛ ولی میان سیاست راهبردی‌ای که از آغاز کار را بر درگیری - درگیری همراه با سلاح - می‌گذارد و دفاعی که مردم بدون سلاح با تکیه بر اراده‌ی شکست‌ناپذیرشان می‌کنند فرق هست. در این اوضاع، شیوه‌ها درخور نوع تهاجم سرکوبگران و امکان‌های دفاعی مردم گزیده خواهد شد.

پرسش: به نظر شما، آیا جمهوری اسلامی به احزاب اجازه‌ی فعالیت آزادانه خواهد داد؟

داریوش فروهر: در باور من، در آغاز، جمهوری اسلامی به سوی مثنی تک‌حزبی رفت. در آن دوران، حزب جمهوری اسلامی را ساختند که بسیاری از سرمداران آن هنگام در آن شرکت داشتند. بعد از آن، به سوی بی‌حزبی روی آوردند و امکان کوشش حتی سازمان‌های کوچک هوادار خودشان را آزادانه نمی‌دادند؛ ولی وضع اجتماعی کنونی چنین است که هم حزب‌های پیشینه‌دار و هم سازمان‌های سیاسی تازه‌ای خواستار شرکت در کارهای اجتماعی، خواستار طرح نظرهای خودشان هستند؛ ولی این قانون می‌توانم بگویم «جهنمی»، که برای پوشش حزب‌ها و تشکل‌های فکری ساخته‌اند، آن چنان بسته و دارای مرزهای کوچکی است که به‌راستی یک سازمان سیاسی، اگر بخواهد به اصطلاح از وزارت کشور پروانه بگیرد، ممکن نیست. در اینجا تنها به نهادهای سیاسی دست‌آموز یا تشکل‌های صنفی دست‌آموز تا کنون پروانه داده شده است.

این توضیح را هم اضافه کنم که حزب‌های سیاسی در گوشه‌وکنار جهان اگر به ثبت داده می‌شوند برای احساس شخصیت حقوقی و بهره‌برداری از این امتیازات است؛ وگرنه هیچ دولت سرکوبگری حزبی را نمی‌تواند از کوشش در راستای رسیدن به هدف‌هایش باز دارد. در این زمینه باید بگویم آن جمله‌ی کهن را که «حق گرفتنی است و نه

دادنی^۱. حزبی که من افتخار وابستگی به آن را دارم در سراسر دوران پس از پیروزی انقلاب و در پیش از پیروزی انقلاب، از کودتای بیست‌وهشت مرداد به بعد، همواره، به جز یک مدت کوتاهی در آغاز انقلاب، زیر بیشترین فشارها بوده است؛ ولی هستی سازمانی خودش را از دست نداده و تا توانسته نظرات خودش را به مردم ارائه داده است.

پرسش: همان طور که می‌دانید، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران و آقای نبوی از بنیان‌گذاران رژیم و کمیته‌ها و سپاه بوده‌اند. شما جایگاه این نیرو را در تحولات امروز و فردا چگونه می‌بینید؟ آیا حزب شما با این نیرو دارای مناسباتی است؟

داریوش فروهر: ببینید، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بعد از انقلاب پدید آمده است. پیش از انقلاب، فردی را که شما نام بردید، تا آنجایی که من می‌دانم، تا دو سه سال قبل از انقلاب، در زندان بود؛ و بعد، با شماری، به حزب جمهوری اسلامی، تا آنجایی که من اطلاع دارم، نپیوستند و این سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را پدید آوردند؛ ولی به علت روابط تنگاتنگی که با انحصارگران آن هنگام داشتند در مدتی دراز و با همکاری صمیمانه در جمهوری اسلامی شرکت داشتند. در همان هنگام، با افسوس، زیر فشار قرار گرفتند که از کوشش‌های سیاسی و اینکه این کوشش‌ها را در یک سازمان سیاسی قرار دهند بازداشته شدند؛ ولی کموبیش ایستادگی کردند و، با اندک تغییری در فضای سیاسی، دوباره به این نام کوشا شدند. کوشش آن‌ها در باور من گستردگی و فراگیری ضروری را ندارد. اما حزب ملت ایران اکنون هیچ رابطه‌ای با این جریان ندارد و هماهنگی هم در بسیاری هنگام‌ها نداریم؛ چون به هر حال آن‌ها در درون جمهوری اسلامی هستند. رابطه‌ی شخصی بین بعضی از گردانندگان حزب ملت ایران با بعضی از گردانندگان این سازمان سیاسی، از جمله خود آقای مهندس نبوی، از هنگامی که ایشان عضو جبهه‌ی ملی بوده‌اند و در کمیته‌های جبهه‌ی ملی همکاری می‌کردند، وجود داشته؛ ولی این روابط آن چنان نیست که بتوان به مناسباتی میان هموندان حزب ملت ایران و یا پیروان آن سازمان تلقی گردد.

پرسش: در مورد مناسبات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جناح کارگزاران چه فکر می‌کنید؟ آیا ائتلافی را که در زمان انتخاب خاتمی شکل گرفت می‌توانند ادامه دهند؟ آیا این ائتلاف دوام خواهد آورد؟

داریوش فروهر: ببینید، من فکر می‌کنم که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و کارگزاران سازندگی، که گفته می‌شود به تازگی حزبی هم ساخته‌اند، از آغاز در دو جناح بودند و هنوز هم با هم هماهنگی کاملی ندارند. این‌ها تنها صلاح خودشان را، هر کدام به جهتی، در آن دیده‌اند که، در جمهوری اسلامی، فضای سیاسی جدیدی برای دنبال کردن همان نوع کشورداری‌ای که هر کدام درش سهمی داشته‌اند پدید بیاورند؛ و از این رو از نامزدی آقای خاتمی پشتیبانی کرده‌اند. آقای خاتمی بارها گفته است که من نامزد سازمان سیاسی خاصی نبوده‌ام. اما البته با هر دوی این گروه‌ها روابط صمیمانه داشته و حتی بسیاری از کارگزاران در دولت ایشان باقی مانده‌اند؛ ولی در گزینش آقای خاتمی به نظر من هیچ کدام از این سازمان‌های سیاسی جداگانه، چه آن‌هایی که زیر نام «کارگزاران» کوشش می‌کرده‌اند و چه آن‌هایی که به نام «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» بوده‌اند و چه آن‌هایی که مجمع روحانیون مبارز را داشته‌اند، اثر تعیین‌کننده نداشتند. اثر تعیین‌کننده به نظر من رسیدن کل جمهوری اسلامی به این بود که باید قهر میان مردم را جوری به تزلزل درآورد و تنها کسی که با حرف‌های درستش از آن درون می‌توانست این کار را انجام دهد پیش افتاد. یادم نمی‌رود که ایشان در نخستین سخنرانی‌شان گفتند من آمده‌ام تا به انتخابات رئیس‌جمهوری نشاط بدهم؛ ولی سرانجام کار این شد که بخش بزرگی از مردم، به‌ویژه جوانان و

خانم‌ها، که بیش از دیگر بخش‌های اجتماعی زیر فشارهای زننده بودند، فرصت یافتند به ایشان رأی بدهند.
پرسش: مناسبات شما با جبهه ملی چیست؟ آیا تفاوتی بین سیاست‌های شما و سیاست‌های جبهه ملی در برخورد به خاتمی وجود دارد؟

داریوش فروهر: من نمی‌دانم کدام جبهه ملی را می‌گویید. جبهه ملی چندگانه در کشورهای بیرون و اندک‌شمار از هواداران گذشته‌اش در درون کوشش‌هایی بعد از سالیان خاموشی آغاز کرده‌اند. من به این نام افتخارآمیز همچنان می‌بالم و، اگر این عنصر درش گنجانده شود که جبهه ملی بنیان‌گذارش مصدق بزرگ بوده و رهنمودهای اصلی مصدق بزرگ هم باید در طرح سازمانی‌اش و هم در هدف‌هایش در یاد بماند، هیچ جدایی با این جریان حس نمی‌کنم؛ ولی در عمل چنین نیست. من چند روز پیش برای یکی از این سازمان‌ها، که یک گردهمایی داشت، پیام فرستادم. با افسوس بسیار، بعضی از سازمان‌های سیاسی ایرانی، چه در درون و چه در بیرون از کشور، دچار ذوق‌زدگی‌ها و سردرگمی‌هایی هستند. آن راهی آینده دارد، آن راهی در خور پیش کشیدن نام پرافتخارآمیز «جبهه ملی» است که به‌راستی بخواهد یک نیروی ناسازگار با جمهوری اسلامی، با همان نقطه‌نظرهای روشنی که برای بازنگری در قانون اساسی، برای رسیدن به مردم‌سالاری، برای جداسازی دین از دولت و، به عبارتی دیگر، برای برآوردن همه‌ی خواست‌های تاریخی و اجتماعی ایرانیان و شیوه‌هایی که در زمامداری کوتاه مدت مصدق بزرگ آزمایش شد، پا گرفته باشد.

پرسش: شما نیروهای متحد خودتان را در این دوران چه نیروهایی می‌بینید، در سطح سیاسی و اجتماعی و هم در سطح حزبی؟

داریوش فروهر: ببینید، با این نیرویی که نام بردید، با عنصرهای گوناگونش، با عنصرهای دیگر، به هر حال ما پیشینه‌های همانندی داشته‌ایم و هنوز هم می‌توانیم اشتراک‌هایی در پاره‌ای از کارها داشته باشیم؛ ولی با افسوس بسیار باید بگویم که، اگر قرار باشد نقش اپوزیسیون بر عهده گرفته شود، باید بگویم که در کشورهای توتالیتر اپوزیسیون دو گونه است. کشورهایهایی که از مردم‌سالاری برخوردارند، در این کشورها، اپوزیسیون آن‌هایی هستند که در دولت و در حکومت شرکت ندارند و به انتظار انتخاباتی هستند که اکثریت پیدا کنند و در دولت سهیم شوند و یا تمام دولت را در اختیار بگیرند؛ اما در کشورهای توتالیتر این‌طور نیست: یک اپوزیسیون درون‌زاد داریم، [که] تنها برای اینکه از حاکمیت سهمی بگیرند و برای اینکه از این نم‌موجود کلاهی ببرند، مبارزه می‌کنند و نه بیشتر، به جابه‌جایی مهره‌ها می‌اندیشند. حزب ملت ایران تنها نیرویایی را به حساب می‌آورد که، چه در وضع کنونی و چه در وضع شایان پیش‌بینی برای آینده، بخواهند که اپوزیسیون برون‌زاد برای جمهوری اسلامی باشند.
پرسش: بخش‌های زیادی از اپوزیسیون در خارج از کشور به طرفداری از خاتمی بلند شده است. نظرتان در این باره چیست؟

داریوش فروهر: ببینید، ما خودمان در زمان روی کار آمدن ایشان نظر دادیم که اعجازی از شخصیت ایشان نمی‌شود انتظار داشت، به‌ویژه با ابزارهایی که در کار دارد؛ ولی در چهارچوب همین قانون اساسی پرنقص، اگر حسن‌نیتی باشد، می‌شود که در راستای فضای سیاسی باز و ایمنی قضائی گام‌هایی برداشت و آن‌وقت رفت بر سر برخورد اصلی برای پدید آوردن یک سامان مردم‌سالارانه در کشور. در توضیحی هم که دادم، گفتم که پاره‌ای از سازمان‌های سیاسی ایرانی دچار سردرگمی و ذوق‌زدگی شده‌اند. من خیلی خوب می‌دانم که این سردرگمی و ذوق‌زدگی در بیرون از ایران نمایان‌تر است تا درون ایران، چراکه آن‌ها دستی از دور بر آتش دارند. فرض بگیرید

که چهار نفرشان بتوانند به دلیلی به ایران بیایند و برگردند، این برایشان به آن شکل درمی‌آید که نامه بنویسند به رئیس‌جمهور که، اگر اجازه بدهید که ما بیاییم و در درون ایران کوشش داشته باشیم، این کارها را خواهیم کرد. ولی درباره‌ی همین موضوع آن هنگام می‌گفتیم که یکی از دگرگونی‌های لازم، یکی از خواسته‌هایمان این بود که قانونی گذرانده شود و اعلام شود که همه‌ی ایرانیانی که ناگزیر به هجرت شدند باید از حق شهروندی برخوردار باشند، همه باید برای ساختن ایران دست‌اندرکار شوند. آیا در این زمینه شما گامی، قانونی، فراخوانی از سوی سردمداران جمهوری اسلامی، حتی بعد از جابه‌جایی رئیس‌جمهور، دیده‌اید و یا شنیده‌اید که بتوان بهش دل بست؟ پرسش: آقای فروهر، شما از خوشنیتی خاتمی صحبت کردید. به نظر شما خوشنیتی ایشان چه نقشی در رسالت سیاسی ایشان دارد؟ خوشنیتی فرضی ایشان چه تفاوتی در برخورد سیاسی شما به ایشان ایجاد می‌کند؟ داریوش فروهر: این برداشتی است که از نویدهایشان می‌کنم و از گذشته‌شان که به نظر من تباهی‌های دیگران را نداشته‌اند.

پرسش: صرفاً از این زاویه؟

داریوش فروهر: این مسئله ممکن است خیلی زودتر در عمل روشن شود که نیت خوبی در کار بود، اما توان رسیدن به این نیت هم در کار نبود!

پرسش: اجازه دهید سؤال دیگری را مطرح کنم. آیا شما در تحولات آتی احتمال یک کودتا را می‌بینید؟ این روزها صحبت از کودتا زیاد در محافل متفاوت شنیده می‌شود.

داریوش فروهر: کودتا در هنگامی که نظام حاکم یک انسجام فروریخته‌ای داشته باشد انجام می‌گیرد و برای این انجام می‌گیرد که بر نارضایتی‌های مردم یک آرامشی بدهد. در ایران، اگر سخنی در این زمینه پیش آمده، از سوی همان کسانی پیش آمده که می‌خواهند جمهوری اسلامی را به دوران سرکوبگری تام و تمام گذشته‌اش برگردانند. به عقیده‌ی من، در ایران کنونی، یک حرکتی که چند تن را از قدرت به زیر بیاورند و چند چهره‌ی سلاحدار را به قدرت بنشانند نه زمینه دارد و نه چنین نیرویی به چشم می‌خورد و نه مورد پذیرش مردم قرار خواهد گرفت.

پرسش: آیا شما احتمال این را نمی‌بینید که ولی فقیه یا یکی از رهبران اصلی رژیم در مقابل مبارزات مردم شرایط اضطراری در جامعه اعلام کند؟

داریوش فروهر: من در قانون اساسی اختیار اینکه کسی اعلام شرایط اضطراری بکند ندیده‌ام؛ ولی می‌گویم که ممکن است که دعوت به سرکوب دوباره‌ی مردم بشود. اما این سرکوب کوتاه‌مدت خواهد بود و دشواری‌های کشور را حل نخواهد کرد و هر کس که چنین دستوری صادر کند، چنین اضطراری را عنوان کند بیش از همه خودش زیان خواهد دید.

پرسش: به‌نظر شما، بازتاب شرایط سیاسی حاضر در ارتش و سپاه چیست؟

داریوش فروهر: خوش‌بختانه ارتش به‌کلی از برخوردهای درونی کنار کشیده شده و یا کنار گذارده شده است و، حتی از لحاظ قانونی هم، قانون اساسی جز دفاع از مرزها، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی وظیفه‌ای برایش نشناخته است؛ و من در رویدادهای این چند سال، آنجایی که درگیری‌هایی انجام گرفت، خوش‌بختانه نشانی از ارتش ندیده‌ام. سپاه و بیشتر بسیجی‌ها گاهی حرف‌هایی زده‌اند؛ ولی آن‌ها هم من ندیده‌ام که در سال‌های نزدیک، در این چند سال گذشته، رو به مردم ایستاده باشند. آن‌ها هم فرزندان این مردم هستند و، همان طور که در ذهن مردم نسبت به نظام دگرگشت‌هایی پدید آمده، من باور ندارم که، اگر بخواهند هم از نیروهای سلاحدار کنونی

استفاده کنند، بتوانند برای سرکوب مردم گام‌های استواری بردارند.

پرسش: ارزیابی شما از سیاست دولت اسلامی خاتمی در قبال آمریکا چیست؟ آیا فکر می‌کنید که مناسبات با آمریکا عادی خواهد شد؟ آیا این امکان را می‌بینید؟

داریوش فروهر: ببینید، من سیاست دولت را که یک گام به جلو دو گام به عقب است نمی‌توانم ارزیابی کنم. اما به‌طور کلی آنچه را که فکر می‌کنم و در اجتماع ایران از سخن به میان می‌آید این است که در سیاست خارجی دشمنی یا دوستی همیشگی در میان نیست؛ باید، بنا به سود و صلاح ملی، به سیاستی نزدیک شد و یا از سیاستی دور شد. من فکر می‌کنم که، اگر گذشته‌های بسیار دور را نگاه کنید، اختلافی میان مردم ایران و دولت‌های آمریکا نبود تا اینکه بعد از جنگ جهان‌گیر دوم در این ناحیه از جهان هم که ما درش قرار گرفتیم سیاست‌های امپریالیستی و سلطه‌گرانه‌ای پیش کشیده شد که با افسوس به کودتای بیست‌وهشت مرداد انجامید که می‌توانم بگویم نطفه‌های انقلاب در همان هنگام بسته شد و یک جدایی پدید آمد که، دست‌کم گردانندگان کشور آمریکا، که تکیه بر مردم دارند، یک پوزش‌خواهی بزرگ و یک دگرگشت در روابطشان به مردم ایران بدهکار هستند.

پرسش: آقای فروهر، ارزیابی شما از هدف سیاسی دولت خاتمی، که تلاش می‌کند مناسبات معینی با دولت آمریکا ایجاد کند، چیست؟ چرا این تلاش امروز صورت می‌گیرد؟

داریوش فروهر: در هر حال من فکر می‌کنم که آن بخش از سردمداران جمهوری اسلامی که به وضع اقتصادی کشور آشنایی دارند و می‌دانند که این وضع تنها با هماهنگ کردن و جمع‌آوری نیروهای درونی شایان گذشتن از بحران نیست می‌دانند که نمی‌توانند قدرت آمریکا را به لحاظ اقتصادی در وضع کنونی جهان منکر شوند؛ و شاید برای راه‌گشایی‌هایی در برابر بزرگترین بحرانی که با آن روبه‌رو هستند طرفدار چنین رابطه‌هایی باشند. فکر می‌کنم این مسئله دوسویه هم هست، یعنی دست‌کم بخشی از گردانندگان اقتصاد آمریکا، به‌ویژه آن‌هایی که بر شرکت‌های چندقطبی که روی نفت و بازاریابی کار می‌کنند، این نوع رفتار را نمی‌پسندند.

پرسش: آیا فکر نمی‌کنید که تمایل آمریکا برای مناسبات سیاسی با دولت ایران ناشی از موقعیت خطیری است که در جامعه وجود دارد و امکان یک انفجار اجتماعی را در جامعه پیش‌بینی می‌کنند؟

داریوش فروهر: من این پرسش را نمی‌توانم در ذهنم جا دهم. نمی‌دانم غرضتان این است که آمریکا برای جلوگیری از انفجار اجتماعی می‌خواهد با ایران رابطه‌ای داشته باشد و یا بر عکس...

پرسش: بله، برای جلوگیری از انفجار اجتماعی، که می‌تواند نتایج ناخوشایندی برای آمریکا به دنبال داشته باشد.

داریوش فروهر: انفجار به هر حال فکر می‌کنم که مورد پذیرش سیاست‌های بزرگ در این چندساله قرار نگرفته است؛ ولی اینکه آمریکا به چاره‌گری برخیزد که بخواهد نظام کنونی در ایران پا برجا بماند، نه، چنین دیدگاهی ندارم.

پرسش: می‌خواستم چند تا سؤال پراکنده مطرح کنم.

داریوش فروهر: سؤال‌های تا کنون مگر جمع و جور بوده که حالا نگران سؤالات پراکنده هستید؟

پرسش: به هر حال، سؤالات بعد از این هم، قدری پراکنده‌تر خواهد بود! نظرتان راجع به سروش چیست، با توجه به اینکه سروش از سردمداران انقلاب فرهنگی اسلامی در جامعه بود؟

داریوش فروهر: من همچنان از دور شخصیت آقای سروش را به عنوان یک شخصیت فرهنگی می‌شناسم و دیدهای انتقادی ایشان را، به‌ویژه در مورد نفس موضوع دخالت دین در دولت، شنیده‌ام و پسندیده‌ام. اما شناخت

درستی از طرز کار کنونی‌شان ندارم. از سهم ایشان هم در انقلاب فرهنگی چیزی به خاطر ندارم. انقلاب فرهنگی را، اگر به آن معنا می‌گیرید که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بسته شدند، من همان هنگام هم با آن ناسازگار بودم و بر این باور بودم که حتی یک روز هم مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها نبایستی زیر عنوان «انقلاب فرهنگی» بسته شوند و به هیچ وجه نباید کادر علمی را، که با آن همه خون دل گرد آمده بودند، به عنوان «پاکسازی» پراکنده شوند. اگر ایشان در این کارها نقشی داشته‌اند، دینی است که به مردم ایران و فرهنگ ایران دارند که امیدوارم ادا کنند.

پرسش: به نظر شما، آیا نیروهای طرفدار سلطنت جایی در فردای تحولات ایران خواهند داشت؟ آیا جو طرفداری از سلطنت زمینه‌ای دارد؟

داریوش فروهر: من، با توجه به آمدورفت‌ها و نشست‌وبرخاست‌هایم، در میان مردم، چنین گرایشی نمی‌بینم. گاه و بیگاه ممکن است که باشند کسانی که در برابر ناهنجاری‌های کنونی یک نوع ابراز تأسف و یا یادآوری به گذشته بکنند، ولی این در اجتماع فراگیری ندارد.

اما اینکه آیا نظام سلطنتی امکان بازگشتش هست، می‌دانید که اظهار نظر هر کسی بر می‌گردد به دیدگاه اجتماعی‌ای که دارد. من به‌طور کلی نهاد سلطنت را دیگر در ایران کاربردی برایش نمی‌شناسم. اما به هر حال کسانی هستند که می‌شود گفت غبطه‌ی آن دوران را می‌خورند و یا سلطنت‌طلب هستند. من همواره بر این باورم که نظام استوار در یک کشور باید گنجایش تحمل و پذیرش هر اندیشه‌ای را داشته باشد و داوری نهایی را به رأی مردم واگذار کند.

پرسش: نظر شما راجع به برخی از رهبران درجه‌ی اول رژیم، که اکنون مورد غضب واقع شده‌اند، مثل آذری قمی، خلخالی و یا منتظری، چیست؟

داریوش فروهر: ببینید، من تنها برای شخصیت برجسته‌ی فکری و پیکارهای سیاسی تا انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی منتظری احترامی می‌شناسم؛ و خوش‌بختانه شنیده‌ام که ایشان دیگر این نوع رهبری‌ای را که در جمهوری اسلامی برپاست پذیرا نیستند؛ ولی آن دو شخصیت دیگری را که نام بردید من هرگز آمادگی اینکه نسبت به آن کردارهای زشت گذشته، یکی بیشتر و یکی کمتر را، اظهار نظری بکنم ندارم.

پرسش: فکر می‌کنید که حزب ملت ایران چه نقشی در فردای تحولات ایران بازی خواهد کرد؟

داریوش فروهر: حزب ملت ایران حزبی بوده که از میان مردم ایران برخاسته، در همه‌ی دوران‌ها، حتی در هنگامی که در انقلاب شرکت کرده، کوشیده است در میان مردم بماند و اکنون هم در خیزش مردم، که می‌رود پدید بیاید، در کنار آن‌هاست. پیروزی‌اش بسته به این است که نظر مردم را به دست آورد، بسته به این است که آنچه را که نیاز ملی، آنچه را که سود و صلاح ملی می‌داند به گوش مردم برساند که با افسوس در نظام‌های توتالیتر امکان گفت‌و شنود، امکان آگاهی‌دهی به مردم بسیار اندک است.

پرسش: استراتژی سازمانی حزب ملت ایران برای رسیدن و یا کسب قدرت سیاسی چیست؟

داریوش فروهر: همان طور که گفتم، از لحاظ سیاست راهبردی، حزب ملت ایران خواستار یک گذار آرام از یک‌تازی جمهوری اسلامی به مردم‌سالاری است. همه‌ی شیوه‌های رزمی‌ای که در این گذار می‌گنجد، مانند اعتصاب، تحصن، سرپیچی از قانون‌های سرکوبگرانه، را حق مردم می‌داند و از آن پشتیبانی می‌کند.

پرسش: حزب شما در قبال فقر و بیکاری گسترده در جامعه چه برنامه‌ای را پیشنهاد می‌کند؟

داریوش فروهر: ما برنامه‌ای داریم که، در سال ۵۸، برای انتخابات رئیس‌جمهوری و انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی، هم بیان کرده‌ایم. ما گرایش به سوسیالیسم در مرزهای شناخته‌شده داریم و اصلاً ایرادی که به سوسیالیسم داشتیم به نظرهای جهان‌میهنی دوران قانونمندی‌های اجتماعی بود، ولی این انتقادی از لحاظ اقتصادی نیست. از لحاظ سیاسی، ما از حق حاکمیت ملت‌ها پشتیبانی می‌کنیم و با هر گونه استعمار، چه در شکل نو و چه در شکل کهنه، دشمنی داریم. از لحاظ اجتماعی، ما خواستار آزادی‌های فردی و اجتماعی به معنی درست کلمه هستیم و باور داریم که به همی اندیشه‌ها در صحنه‌ی زندگی یک ملت باید فرصت نمایان بودن، ارائه شدن داد و مرزی که می‌شناسیم فقط کردارهایی است که بر ضد استقلال ملی و یا بر ضد آزادی‌های فردی دیگران انجام می‌شود. من می‌توانم بگویم که آن برنامه به دست شما رسانده شود و شما ارزیابی خودتان را از آن بکنید؛ چون برنامه و هدف‌های یک حزب را در یک گفتار تلفنی نمی‌شود باز گفت.

پرسش: حتماً. خوشحال می‌شوم. سؤال دیگرم این است که آیا طرفدار آزادی بدون قید و شرط، حتی در شرایط اضطراری یا شرایط جنگی، هستید؟

داریوش فروهر: من آزادی را به طور مشخص در چهارچوب نگاه‌داشت آزادی ملی باور دارم. بنابراین، اگر یک تهاجم خارجی هم انجام بگیرد، آزادی را در یک وضع اضطراری شایان مرزبندی می‌دانم؛ اما این به معنا نیست که هر صدایی باید سرکوب شود. در آن شرایط هم باید اجازه داد که فرصت انتقاد باشد. ما این موضوع سرکوب انحصارگرانه و کور به همی اندیشه‌ها و همی کسان دارای آن اندیشه‌ها را در نبرد میهنی با کشور استعمارساخته‌ی عراق تجربه کرده‌ایم که به زیان مردم تمام شده است. کسانی که هیچ شایستگی نداشته‌اند چه زیان‌های بزرگی با فرماندهی خودشان به مردم ایران زدند. ولی به‌طورکلی ما در وضع کنونی هوادار آزادی و عرضه‌ی اندیشه‌ها هستیم.

پرسش: بله، منظورتان را می‌فهمم. اگر شرایط بهمن ۵۷ تکرار شود، آیا شما مجدداً در جمهوری اسلامی و حکومتی که شکل گرفت شرکت می‌کردید؟

داریوش فروهر: باور ندارم که این شرط‌های اجتماعی را بشود خالی از ظرف زمان و مکان بررسی کرد. من بسیاری، یعنی خط سیر اصلی کارهایی که در آغاز انقلاب انجام شد، را اکنون هم رد نمی‌کنم.